

مراحل تطور معیار «مطابقت قرائت با رسم مصحف» در پذیرش قرائات

عبدالهادی فقهی زاده*

حمیدرضا مستفید**، مجتبی محمدی انویق***

چکیده

مطابقت قرائت با رسم مصحف از مهم‌ترین معیارها در پذیرش قرائات است. این معیار که، پس از توحید مصاحف از سوی عثمان، با هدف خارج کردن قرائات برخی از صحابه رواج یافت، در دوره‌های بعد تحولات گوناگونی پشت سر گذاشت. منظور از مطابقت قرائت با رسم مصحف، در مراحل نخست، سازگاری آن با کلیات متن مکتوب قرآن بود، اما در مراحل متأخر، تطابق قرائت با رسم مصحف با جزئیات بیش‌تری بررسی شده است. هم‌چنین، در خلال این دوره‌ها، برخی از قاریان به متن مکتوب رسمی قرآن اهمیت کم‌تری می‌دادند که با برخی از آنان از جمله ابن‌شبنوذ برخورد‌های قاطعی صورت گرفت. درکل، معیار مطابقت با رسم مصحف پنج مرحله مهم تاریخی را سپری کرد. این مراحل بدین ترتیب است: ۱. آغاز توجه به متن مکتوب قرآن به‌مثابه یک معیار؛ ۲. گسترش گفت‌وگو میان رسم مصحف؛ ۳. احتجاج گسترده دانشمندان به رسم مصحف در پذیرش قرائات؛ ۴. قطعی شدن معیار مطابقت با رسم مصحف؛ ۵. بازنگری نهایی در معیار مطابقت با رسم مصحف. در پژوهش حاضر، با رویکردی تاریخی - تحلیلی، مراحل پنج‌گانه مذکور بررسی شده و تلاش بر آن است تا درپرتو آن، جایگاه معیار مطابقت با رسم مصحف در تاریخ قرائات تبیین شود.

کلیدواژه‌ها: رسم مصحف، رسم‌الخط قرآن، قرائات شاذ، قرائات مشهور، مصحف عثمانی، معیارهای پذیرش قرائات.

* استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، faghhezad@ut.ac.ir

** استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، hr.mostafid@yahoo.com

*** دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، mojtaba.mohammadia@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۱۰

۱. مقدمه

پس از رحلت پیامبر اکرم (ص)، رفته رفته در نحوه قرائت قرآن اختلاف افتاد. چنان که در کنار صحت نقل، داشتن معیارهای دیگر برای تشخیص قرائت صحیح ضروری نمود. بر این اساس، معیارهایی جدید برای پذیرش قرائات به میان آمد که از مهم ترین آنها، مطابقت با رسم مصحف بود. به این معنا که قرائت کلمات قرآن باید با رسم مصاحف عثمانی مطابقت داشته باشد.

معیار مطابقت با رسم مصحف که بعد از توحید مصاحف به تدریج جایگاه خود را در قرائت قرآن پیدا کرد، مانند هر پدیده تاریخی دیگری، تحولات گوناگونی پشت سر گذاشت و مراحل متعددی سپری کرد. این معیار، توجه دانشمندان علم قرائات را در طی اعصار به خود جلب کرد، چنان که آنان با رویکردهای گوناگون به بررسی مباحث رسم مصحف پرداختند و کتاب‌های فراوانی در این باره تألیف کردند. قاریان مشهور قرآن در شهرهای گوناگون این معیار را در نظر داشتند و در پذیرش یا رد قرائات از آن یاری می‌جستند.

پژوهش حاضر بر آن است تا مراحل تطور معیار مطابقت با رسم مصحف را در دوره‌های گوناگون، به صورت مرحله‌بندی شده و با ارائه نمونه‌های معتبر، بررسی کند. در این زمینه، پاسخ به پرسش‌های زیر حائز اهمیت است:

۱. توجه به معیار مطابقت قرائت با رسم مصحف در تاریخ قرائات از چه زمانی و به چه عللی آغاز شد؟

۲. معیار مطابقت قرائت با رسم مصحف در دوره‌های تاریخی چه مفهومی داشته است؟

۳. در حوزه رسم مصحف در دوره‌های گوناگون تاریخی چه کوشش‌هایی انجام گرفته است؟

۴. پرداختن به رسم مصحف، به مثابه علم مستقل، از چه زمانی و به چه دلایلی آغاز شد و ارتباط قرائات با رسم مصحف، قبل و بعد از این دوره، چگونه بوده است؟

۲. مفهوم‌شناسی رسم مصحف

کلمه «رسم» در اصل به معنای اثر و نشانه است و در معنای نگارش نیز کاربرد یافته است (جوهری ۱۴۳۰ ق: ج ۴، ۱۱۵۷؛ ابن فارس ۱۴۰۴ ق: ج ۲، ۳۹۳). واژه «مصحف» (با فتحه، ضمه، و کسره میم) در لغت مجموعه‌ای از صحیفه‌های مکتوب میان دو جلد

است (ازهری ۱۴۲۱ ق: ج ۴، ۱۴۹؛ ابن منظور ۱۴۱۴ ق: ج ۹، ۱۸۶). این واژه در نزد مسلمانان در اصطلاح به معنای قرآن مکتوب بین الدفتین به کار رفته است (سیوطی ۱۴۲۱ ق: ج ۱، ۱۹۰). بر این اساس، اصطلاح «رسم المصحف» در علوم قرآن به معنای شیوه نگارش کلمات قرآن رواج پیدا کرده است (ضباع ۱۴۲۰ ق: ۲۰؛ الحمد ۱۴۳۳ ق: ۲۶). سابقه به کارگیری و رواج واژه «رسم» در این معنا به قرن پنجم هجری قمری بازمی‌گردد. پیش از آن، برای این منظور از واژه‌های دیگری هم چون «کتاب» و «هجاء» و «خط» استفاده می‌شد (الحمد ۱۴۲۵ ق: ۱۵۵). چنان‌که کاربرد این واژه در معنای نگارش را می‌توان در سراسر کتاب المقنع ابو عمرو دانی (د ۴۴۴ ق) مشاهده کرد. در این مقاله نیز، برای نشان دادن این معنا در رابطه با تمامی برهه‌های زمانی، از واژه رسم، که امروزه متداول است، استفاده شده است.

به گفته دانشمندان علم قرائت، منظور از کلمه «مصحف»، در اصطلاح مزبور، مجموعه مصاحفی است که خلیفه سوم پس از نگارش و نسخه‌برداری به شهرهای اسلامی فرستاد. بنابراین، مطابقت با رسم مصحف در علم قرائت، به معنای لزوم انطباق قرائت با یکی از مصاحف عثمانی است (ابن جزری بی تا: ۹ - ۱۱؛ فضلی ۱۴۳۰ ق: ۱۲۶)، در عین آن‌که دسترسی به چگونگی رسم کلمات در مصاحف عثمانی اغلب به واسطه نسخه‌های استنساخ شده از مصاحف اصلی انجام می‌گرفت (مارغنی ۱۴۳۷ ق: ۶۱). این نکته را می‌توان از کاربرد کلمه «مصاحف» به صورت جمع در عباراتی مانند «مصاحف اهل المدينة»، «مصاحف اهل الکوفة»، «مصاحف الکوفیین» و نمونه‌های دیگر در منابع متقدم حوزه رسم مصحف استنباط کرد (برای کاربرد کلمه مصاحف به صورت جمع، بنگرید به سجستانی ۱۴۲۳ ق: ۱۳۹؛ دانی ۱۴۲۸ ق: ج ۳، ۱۳۶۸، ۱۳۹۵؛ ابوداود ۱۴۲۱ ق: ج ۱، ۳۱۰). نقل است که تعدادی از مصاحف نوشته شده از سوی عثمان در اختیار قاریان متقدم، از جمله قاریان هفت گانه، قرار گرفته است. برای نمونه، از حمزه نقل شده است که مصحف ارسالی خلیفه به کوفه را در منزل مردی از قبیله مُراد دیده و نسخه‌ای از روی آن برای خود نوشته است (سجستانی ۱۴۲۳ ق: ۴۳).

۳. شکل‌گیری رسم الخط قرآن

شکل‌گیری پایه‌های نخستین رسم الخط قرآن را می‌توان از ابتدای نزول وحی تا زمان توحید مصاحف از سوی عثمان در سال ۲۵ هجری قمری دانست (ابن حجر عسقلانی

۱۳۷۹ ق: ج ۹، ۱۷). در این دوره، هرچند به رسم الخط قرآن به مثابه معیاری برای پذیرش قرائت توجه نشد، مصاحف و دست‌نوشته‌هایی تدوین شد که می‌توان آن‌ها را گام‌های نخستین در شکل‌گیری رسم الخط قرآن تلقی کرد (رامیار ۱۳۶۹ ش: ۲۹۰).

پیامبر اکرم (ص)، پس از دریافت وحی، بی‌درنگ آن را برای صحابه قرائت می‌کرد و آنان نیز متناسب با استعداد و توان خود قرآن را حفظ می‌کردند. در این میان، بعضی از صحابه سواد کتابت داشتند و به فرمان پیامبر (ص)، آیات قرآن را ثبت می‌کردند و می‌نوشتند (زرکشی ۱۴۱۰ ق: ج ۱، ۳۳۴ - ۳۳۵). از مهم‌ترین کاتبان قرآن در میان صحابه می‌توان به علی بن ابی‌طالب (ع)، عبدالله بن مسعود، ابی‌بن‌کعب، و زید بن ثابت اشاره کرد (زنجانی ۱۴۰۴ ق: ۴۸ - ۵۴). پیامبر اکرم (ص) مسلمانان را به قرائت قرآن از روی مصحف تشویق می‌کرد (در این باره، بنگرید به طبرانی بی‌تا: ج ۱، ۲۲۱؛ سیوطی ۱۴۰۱ ق: ج ۲، ۲۵۴). این توصیه با هدف افزایش دقت قاری در هنگام قرائت قرآن و تأکید بر تکیه‌نکردن محض به حافظه انجام می‌گرفت. در آن زمان، نوشتارهای قرآنی متعددی در اختیار مسلمانان بود که در قرائت قرآن از آن‌ها بهره می‌بردند. از جمله این نوشتارها می‌توان به صحیفه‌ای اشاره کرد که در ماجرای اسلام آوردن عمر بن خطاب در خانه‌ی خواهر او بوده است (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به ابن‌هشام بی‌تا: ج ۱، ۲۲۹ - ۲۳۱؛ قرطبی ۱۴۲۳ ق: ج ۱۱، ۱۶۳ - ۱۶۴). کتابت قرآن در عصر حیات پیامبر اکرم (ص) در قالب دست‌نوشته‌ها و مصاحف قرآنی نخستین کوشش‌های انجام‌شده در حوزه کتابت قرآن است.

پس از رحلت پیامبر اکرم (ص)، عده‌ای از صحابه به تدوین مصاحف اهتمام ورزیدند. از بارزترین نمونه‌های مصاحف در آن دوره می‌توان به مصحف امام علی (ع) اشاره کرد (برای نمونه، بنگرید به سلیم بن قیس ۱۴۲۲ ق: ۱۴۶؛ ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۶ ق: ج ۱، ۳۱۹ - ۳۲۰)، که از سوی دستگاه حکومت آن زمان پذیرفته نشد و از این رو، در اختیار عموم قرار نگرفت (عاملی ۱۴۱۰ ق: ۱۵۱ - ۱۶۲). علاوه بر آن، به اعتبار منابع، ابوبکر در دوران خلافت خود به گردآوری و تدوین قرآن همت گماشت (ابن‌حنبل بی‌تا: ج ۱، ۱۳؛ بخاری ۱۴۰۱ ق: ج ۵، ۲۱۰). به نظر می‌رسد که گردآوری قرآن به فرمان ابوبکر به منظور تهیه مصحف شخصی برای خلیفه بوده است، زیرا در آن دوران، در اختیار داشتن مصحف برای صحابه فضیلت به‌شمار می‌رفت. بنابراین، ابوبکر، در مقام خلیفه مسلمانان، نمی‌خواست از این فضیلت بی‌بهره ماند. از این رو، دستور داد تا نسخه‌ای از قرآن برای او گردآوری شود (رامیار ۱۳۶۹ ش: ۳۲۹ - ۳۳۲). در کل، در آن دوران تهیه مصاحف شخصی امری رایج بوده است، چنان‌که کاتبانی بودند که به سفارش افراد قرآن می‌نوشتند؛ برای

نمونه، نقل است که مردی نصرانی، اهل حیره، به‌ازای دریافت شصت درهم، مصحفی برای عبدالرحمن بن عوف نوشت (سجستانی ۱۴۲۳ ق: ۱۴۸). هم‌چنین، نافع بن ظریب مصحفی برای عمر تدوین کرده است (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به ابن‌عبدالبر ۱۴۱۲ ق: ج ۱، ۴۶۹؛ ابن‌اثیر بی‌تا: ج ۴، ۵۲۷). به‌هرروی، مصحفی که در این برهه تاریخی نوشته شد، مبنای تدوین مصاحف عثمانی قرار گرفت و مصاحف عثمانی هم اساس رسم‌الخط قرآن را شکل داد (نجارزادگان ۱۳۷۹ ش: ۲۵).

۴. مراحل تطور معيار مطابقت با رسم مصحف

معيار مطابقت با رسم مصحف، از زمان پیدایش تاکنون، پنج مرحله مهم را سپری کرده است که به این ترتیب است:

۱. آغاز توجه به متن مکتوب قرآن به‌مثابه یک معیار؛
۲. گسترش گفتمان رسم مصحف؛
۳. احتجاج گسترده قاریان و دانشمندان به رسم مصحف در پذیرش قرائت؛
۴. قطعی شدن معيار مطابقت با رسم مصحف؛
۵. بازنگری نهایی در معيار مطابقت با رسم مصحف.

۵. آغاز توجه به متن مکتوب قرآن به‌مثابه یک معيار

پس از توحید مصاحف، درکنار نقل شفاهی قرآن، به متن مکتوب آن نیز به‌مثابه یک معيار برای پذیرش قرائت توجه شد. در عصر خلافت عثمان، قلمرو اسلامی توسعه یافته بود و مردم از شهرهای گوناگون و با نژادهای مختلف به اسلام گرویده بودند. این امر باعث شده بود که مسلمانان در قرائت قرآن اختلاف کنند. دامنه اختلافات به‌حدی بود که گروه‌های مسلمانان درباره شیوه قرائت قرآن مشاجره و نزاع می‌کردند و حتی یک‌دیگر را تکفیر می‌کردند (زرقانی ۱۹۴۸ م: ج ۱، ۲۴۸ - ۲۴۹). گفته شده است که حذیفه بن یمان، پس از بازگشت از جنگ آذربایجان، به‌نزد عثمان رفت و از اختلافات شدید مسلمانان در قرائت قرآن خبر داد. خلیفه با شنیدن این خبر نگران شد و تصمیم به یک‌سان‌سازی مصاحف گرفت (بخاری ۱۴۰۱ ق: ج ۶، ۵۸۱). به همین منظور، خلیفه گروهی را به سرپرستی زید بن ثابت تشکیل داد و با سازوکاری که در روایات آمده، به تدوین قرآن پرداخت. درعین حال، چنان‌که گفتیم قرآن در حیات پیامبر اکرم (ص) گردآوری شده بود

و مصاحفی نیز در اختیار مسلمانان قرار داشت، اما به اعتبار روایت مشهور، کار عثمان در این تدوین دست کم، به زعم دستگاه خلافت و گروه اجرایی، پایان دادن به اختلافات در قرائت قرآن بود.

عثمان، برای نیل بدین مقصود، چهار تا هفت نسخه (برطبق اختلاف اقوال)^۱ تدوین کرد و به شهرهای اسلامی فرستاد. این نسخ که به احتمال در سال ۲۵ هجری قمری فرستاده شد (ابن حجر عسقلانی ۱۳۷۹ ق: ج ۹، ۱۷)، نقطه عطفی در توجه به رسم الخط قرآن در تاریخ قرائت است، زیرا پیش از آن، نه مصحفی خاص معیار سنجش قرائت قرآن قرار گرفته بود و نه اساساً درباره اختلاف رسم کلمات قرآن بحثی درافتاده بود. مصاحف عثمانی نخستین متون مکتوب قرآن بودند که در جامعه اسلامی به معیاری رسمی برای پذیرش قرائت در آمدند. در واقع، توحید مصاحف با هدف توجه به رسم مصاحف عثمانی به منظور خارج کردن قرائت سایر صحابه انجام گرفت. در این میان، عده ای این معیار را پذیرفتند و عده ای دیگر، از جمله ابن مسعود، چندان توجه به آن نکردند (برای آگاهی بیش تر، بنگرید به سجستانی ۱۴۲۳ ق: ۱۶۶ - ۱۸۶).

مصاحف نوشته شده به سفارش عثمان کاستی هایی داشت که باعث اختلاف بود. برخی از این کاستی ها ناظر به خط مصاحف و برخی دیگر ناظر به نویسندگان بود. خط ناقص و ابتدایی قرآن در آن دوران قرائت مختلف از برخی کلمات را در بر داشت؛ برای نمونه، نبود اعراب گذاری (حرکت گذاری) در خط مصاحف باعث می شد که کلمه «یکذبون» در آیه ۱۰ سوره بقره به دو شکل «یکذبون» و «یکذبون» قرائت شود (درباره قرائت این کلمه، بنگرید به ابن جزری بی تا: ج ۲، ۲۰۷ - ۲۰۸). هم چنین، فقدان نقطه گذاری حروف باعث می شد که مثلاً کلمه «فتبینوا» (حجرات: ۶) به صورت «فتبتوا» نیز خوانده شود (درباره قرائت این کلمه، بنگرید به ابن جزری بی تا: ج ۲، ۲۵۱). علاوه بر این، نبود قانون کلی و نظام مند برای نشان دادن حروف کشیده، به ویژه فتحه کشیده یا الف، و هم چنین نبود علامتی برای همزه زمینه روی آوردن مسلمانان به قرائت مختلف را فراهم می کرد (برای تفصیل و آگاهی از فقدان علامات، بنگرید به الحمد ۱۴۲۵ ق: ۶۷ - ۷۴؛ مستفید ۱۳۸۱ ش: ۴۶ - ۴۹). شباهت برخی از حروف در خط کوفی هم می توانست از عوامل بروز اختلاف قرائت در قرن های نخستین باشد. برای نمونه، شباهت حروف «ضاد» و «ظاء» در این خط (در این باره، بنگرید به سخاوی ۱۴۲۷ ق: ۲۴۵؛ صفاقسی ۱۴۲۵ ق: ۶۱۹) باعث شده است که کلمه «بظنین» در آیه ۲۴ سوره تکویر، به شکل «بظنین» نیز قرائت شود (درباره قرائت این کلمه، بنگرید به دانی ۱۴۱۶ ق: ۱۳۹؛ ابن جزری بی تا: ج ۲، ۳۹۸ - ۳۹۹).

به‌هرحال، اصالت شفاهی قرآن (دراین‌باره، بنگرید به: Neuwirth 2007: 97-111; 115: Graham and Kermani 2007) و ذوق سلیم و حافظه قوی عرب موجب می‌شد که در قرائت قرآن از اشتباه مصون بمانند (رامیار ۱۳۶۹ ش: ۵۲۷)، اما با گسترش اسلام و افزایش شمار مسلمانان غیرعرب، زبان عربی دچار فساد شد و لغزش و اشتباه در قرائت قرآن پدید آمد (همان: ۵۲۷ - ۵۲۹؛ ذوقی ۱۳۹۶ ش: ۳۴)؛ تا این‌که کار نقط مصاحف به‌وسیله ابوالاسود دؤلی و دیگران آغاز شد و رفته‌رفته خط عربی قرآن به نضج و پختگی لازم رسید (دانی ۱۴۰۷ ق: ۲ - ۹).

درباره کاستی‌های کتابت نویسندگان آورده‌اند که پس از نسخه‌برداری مصاحف، آن‌ها را به عثمان ارائه کردند و او متوجه اشکالات نگارشی شد و گفت که اگر املاکننده از هذیل و نویسنده از ثقیف بود، این اشتباهات رخ نمی‌داد (ابوعبید ۱۴۱۱ ق: ۲۸۷). به‌گفته عثمان، در کتابت قرآن «لحن» صورت گرفته بود که عرب می‌توانست با زبان خود آن را اصلاح کند (دانی ۱۴۰۳ ق: ۱۲۱؛ سیوطی ۱۴۲۱ ق: ج ۱، ۵۵۰). واکنش عثمان نشان می‌دهد که نویسندگان مصاحف درحین کتابت اشتباهاتی کرده بودند؛ از جمله این‌که نسخه‌های ارسال‌شده به شهرها در رسم برخی از کلمات با یک‌دیگر اختلاف داشتند که باعث بروز چندگانگی در قرائت می‌شد. برای نمونه، در میان قاریان سبعه، ابن‌عامر، واژه «شركاؤهم» (انعام: ۱۳۷) را به جَر «شركاء» قرائت کرده که اعتراض عالمان، چون زمخشری، را برانگیخته است (دراین‌باره، بنگرید به زمخشری ۱۴۰۷ ق: ج ۲، ۷۰). روشن است که ابن‌عامر در این قرائت از مصحف شام پیروی کرده است که در آن همزه این کلمه به صورت «یاء» (شركائهم) نوشته شده بود، چنان‌که ابن‌خالویه گفته است: «علت قرائت ابن‌عامر، تنها این است که او در مصاحف شام این کلمه را با "یاء" دیده و از خط آن پیروی کرده است» (ابن‌خالویه ۱۴۰۱ ق: ۱۵۱). زمخشری نیز دراین‌باره نوشته است: «قرائت آیه به این شکل از سوی ابن‌عامر به‌خاطر این است که او در برخی از مصاحف شركائهم را با "یاء" دیده و از آن پیروی کرده است» (زمخشری ۱۴۰۷ ق: ج ۲، ۷۰). افزون‌براین، نحوه فاصله‌گذاری میان حروف می‌توانست از اسباب اختلاف در قرائت باشد. گفته شده است که یحیی بن‌یعمرب، آیه «وَاللَّيْلِ إِذَا دُبِّرَ» (مدثر: ۳۳) را به صورت «واللیل اذا دبر» قرائت می‌کرد (ابن‌جزری ۱۴۲۹ ق: ج ۲، ۳۷۵). مشاهده می‌شود که عبارت «اذا دبر» با جابه‌جاشدن یک فاصله تبدیل به «اذا دبر» می‌شود که هردوی این عبارات در زمره قرائت قرآن قرار گرفته است (قاضی ۱۴۲۸ ق: ۶۲۳).

۶. گسترش گفتمان رسم مصحف

پس از توحید مصاحف و ارسال نسخه‌های قرآن به شهرها، مسلمانان به رعایت معیار مطابقت با رسم مصحف ملزم شدند. در این مرحله، که تا پایان قرن دوم هجری قمری، ادامه داشت، مباحث رسم مصحف به تدریج جایگاه خود را در گستره علم قرائات پیدا کرد و برای تشخیص قرائات صحیح در اختیار این علم قرار گرفت. به گونه‌ای که گفتمان علمی در این زمینه گسترش یافت و دانشمندان به تحقیقات وسیع در این حوزه پرداختند (الحمد ۱۴۲۵ ق: ۱۳۶). در این دوره، برای نمونه، می‌توان از قاریان هفت‌گانه نام برد. علاوه بر روایات فراوانی که از این قاریان درباره رسم کلمات قرآن بیان شده است، بسیاری از آنان در این حوزه صاحب تألیف بوده‌اند. نمونه‌هایی از کوشش‌های این قاریان صاحب تألیف در این زمینه به شرحی است که در ادامه خواهد آمد.

۱. عبدالله بن عامر (د ۱۱۸ ق)، قاری شام، از نخستین کسانی بود که در حوزه رسم مصحف تألیف کرده است (فضلی ۱۴۳۰ ق: ۱۲۷؛ الحمد ۱۴۲۵ ق: ۱۳۸). ابن ندیم در فهرست خود، کتاب *اختلاف مصاحف الشام و الحجاز و العراق* و کتاب *مقطوع القرآن و موصوله* را به او نسبت داده است (ابن ندیم بی تا: ۳۹). علاوه بر این، دانی در *المقنع* روایتی را از وی درباره رسم برخی از کلمات قرآن در مصاحف شام نقل کرده است (دانی ۱۴۰۳ ق: ۸۸، ۱۰۲، ۱۱۰).

۲. ابوعمرو بن علاء (د ۱۵۴ ق)، قاری بصره، کتابی به نام *مرسوم المصحف* درباره شیوه نگارش کلمات قرآن داشته است (بروکلمان بی تا: ج ۲، ۱۳۰).

۳. حمزة بن حبيب (د ۱۵۶ ق)، قاری کوفه بعد از عاصم، کتاب *مقطوع القرآن و موصوله* را در موضوع رسم داشت (ابن ندیم بی تا: ۳۹؛ آقابزرگ طهرانی ۱۴۰۳ ق: ج ۲، ۱۱۸). او نخستین کسی است که در موضوع *مقطوع* و *موصول قرآن* کتاب نوشته است (امین بی تا: ج ۵، ۳۲۷؛ صدر ۱۳۳۱ ق: ۳۳). دانی در *المقنع* روایاتی را درباره شیوه نگارش کلمات از وی نقل کرده است (برای آگاهی از این روایات، بنگرید به دانی ۱۴۰۳ ق: ۵۵، ۷۴، ۷۵، ۷۸، ۸۷). به احتمال بسیار، اغلب آن‌ها از همین کتاب *مقطوع القرآن و موصوله* اخذ شده است؛ زیرا اکثر این روایات ذیل باب «ذکر ما رسم فی المصاحف من الحروف المقطوعة علی الأصل والموصولة علی اللفظ» قرار گرفته است.

۴. نافع بن عبدالرحمن (د ۱۶۹ ق)، قاری مدینه، از پیش‌گامان مباحث رسم مصحف در مدینه بود. لیبیب، یکی از شارحان *العقيله*، درباره نافع می‌نویسد: «فلم تؤخذ حقیقة الرسم الا

عن نافع» (لیب ۱۴۳۲ ق: ۲۱۹). علاوه بر این، دانی در *المقنع* روایات فراوانی از او نقل کرده است (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به دانی ۱۴۰۳ ق: ۲۰، ۲۳، ۲۹، ۴۵، ۴۶، ۵۸).

۵. علی بن حمزه کسایی (د ۱۸۹ ق)، از قاریان کوفه، کتابهای *اختلاف مصاحف اهل المدینة و اهل الکوفة و اهل البصرة* (ابن ندیم بی تا: ۳۹)، *الهجاء* (همان: ۷۲؛ *یاقوت حموی* ۱۴۱۱ ق: ج ۱۳، ۲۰۳)، *مقطوع القرآن و موصوله* (قفطی ۱۴۲۴ ق: ج ۲، ۲۷۱) را در موضوع رسم داشته است.

در این مرحله، به ظرائف و جزئیات رسم مصاحف عثمانی توجه نمی شد و فقط کلیات آن در نظر گرفته می شد. این دیدگاه را می توان در قرائت مخالف با رسم مصحف به معنای امروزی، از جمله قرائت کلمه «صراط» در سوره فاتحه با «سین» از سوی قبیل و رويس (قاضی ۱۴۲۸ ق: ۲۲) و قرائت «لأهب» (مریم: ۱۹) به صورت «لِهب» از سوی ابو عمرو، یعقوب، ورش و دیگران (ابن جزری بی تا: ج ۲، ۳۱۷) مشاهده کرد. با این حال، در همین دوره، در مواردی به جزئیات متن مکتوب نیز توجه شده است. برای نمونه، کسایی گفته است: «کاربرد "صراط" با سین نزد عرب بیشتر است، اما من با صاد قرائت می کنم و از خط پیروی می کنم» (ابن مجاهد بی تا: ۱۰۷). این موارد را می توان به مثابه جرقه هایی برای ورود به رسم مصحف به معنای امروزی دانست که بعد از قرن چهارم هجری قمری فراگیر شد.

۷. احتجاج گسترده قاریان و دانشمندان به رسم مصحف در پذیرش قرائت

در این مرحله و در حدود قرن سوم هجری دانشمندان علم قرائت در گستره وسیع تری به معیار مطابقت با رسم مصحف احتجاج کرده اند. البته نگاه این دانشمندان به معیار رسم مصحف در پذیرش قرائت، هم چنان با نگاه عالمانی چون ابن جزری، که رسم مصحف را با تمام جزئیات آن بررسی می کند، متفاوت است. در ادامه، به نمونه هایی از این احتجاجات در کتابهای دانشمندان بنام این دوره اشاره می شود.

۱.۷ یحیی بن زیاد فرأء

فراء (د ۲۰۷ ق)، در *سراسر معانی القرآن* خود، به رسم مصحف احتجاج کرده است (برای نمونه، بنگرید به فراء ۱۴۰۳ ق: ج ۱، ۹۶، ۴۷۳، ج ۲، ۲۴۸). او قرائت «فما آتان الله» به حذف «یاء» را بر قرائت «فما آتانی الله» (نمل: ۳۶) به اثبات «یاء» و نصب آن ترجیح می دهد، زیرا رسم این کلمه در مصاحف بدون «یاء» است (دانی ۱۴۰۳ ق: ۳۰ - ۳۲؛ ابوداود ۱۴۲۱ ق:

ج ۲، ۱۲۵ - ۱۳۱، ج ۴، ۹۴۹). ارکاتی، پس از ذکر رسم صحیح این کلمه با نون مکسور (بدون یاء)، بیان می‌کند که شماری از قاریان به علت پیروی از رسم مصحف این کلمه را، چه در حالت وصل و چه در حالت وقف، بدون «یاء» خوانده‌اند (ارکاتی ۱۳۳۱ ق: ج ۵، ۱۰۲ - ۱۰۳). فراء پس از توضیحاتی درباره کلمه «آتانی» نوشته است: «تبعیت از رسم مصحف نزد من، در صورتی که با ادبیات عربی و قرائت قاریان سازگار باشد، از خلاف آن محبوب‌تر است» (فراء ۱۴۰۳ ق: ج ۱، ۹۶).

نمونه دیگر از توجهات فراء به معیار رسم مصحف این که او در ترجیح قرائت «وَسَل» و «فَسَل» بر «وَأَسأل» و «فَسأل» نوشته است:

کلمه «سَل» در سراسر قرآن بدون همزه قرائت می‌شود، زیرا اگر قرائت آن با همزه بود، به صورت «أَسأل» نوشته می‌شد [...] حمزه زیات فعل امر را در این کلمات، زمانی که قبل از آنها «فاء» یا «واو» باشد، با همزه قرائت کرده است؛ مثل «وَسَلَّ» (یوسف: ۸۲) و «فَسَلَّ» (یونس: ۹۴) و من این را نمی‌پسندم، زیرا اگر قرائت آن با همزه بود، «الف» آن نوشته می‌شد، همان‌طور که «الف» را در «فَأَضْرَبَ» (طه: ۷۷) و «وَأَضْرَبَ» (یس: ۱۳) نوشته‌اند (همان: ۱۲۴ - ۱۲۵).

۲.۷ ابو عبید قاسم بن سلام

ابو عبید قاسم بن سلام (د ۲۲۴ ق) از دانشمندان بنام قرائت در قرن سوم هجری قمری است (ذهبی ۱۴۱۷ ق: ۱۰۱ - ۱۰۲). کتاب القراءات از اوست که در آن قرائت ۲۵ تن از قاریان را ثبت کرده بود (ابن ندیم بی تا: ۳۸؛ حاجی خلیفه ج ۲، ۱۴۴۹). این کتاب اگرچه اکنون در دسترس نیست، برخی از عالمان بعد از جمله زجاج (د ۳۱۱ ق)، ابن مجاهد (د ۳۲۴ ق)، ابن انباری (د ۳۲۸ ق)، دانی (د ۴۴۴ ق)، و سخاوی (د ۶۴۳ ق) مطالبی را از آن نقل کرده‌اند (الحمد ۱۴۳۹ ق: ۷۴ - ۷۹).

ابو عبید در نوشته‌های خود، از موافقت با رسم الخط به منزله یکی از معیارهای پذیرش قرائت یاد کرده است (ابو عبید ۱۴۱۱ ق: ۲۱۷). ابن انباری در ایضاح الوقف والابتداء، مطالبی را از ابو عبید نقل می‌کند که نشان می‌دهد معیار رسم مصحف در نزد او تا چه اندازه اهمیت داشته است:

قاریان قرآن درباره اثبات یا حذف هاء در قرائت «لَمْ يَتَسَنَّه» (بقره: ۲۵۹) اختلاف کرده‌اند. ابو جعفر، شبیه، نافع، عاصم، و ابن کثیر حرف هاء را در «يَتَسَنَّه»، چه در حالت

مراحل تطور معيار «مطابقت قرائت با رسم مصحف» در پذیرش قرائت ۵۷

وقف و چه در حالت وصل، قرائت می‌کنند. این مطلب دربارهٔ مواضع «فَبِهْدَاهُمْ أَقْتَدَهُ» (انعام: ۹۰)، «يَا لَيْتَنِي لَمْ أَوتِ كِتَابِيَهٗ. وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيَهٗ» (حاقة: ۲۵-۲۶) و «وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَهٗ» (قارعه: ۱۰) نیز صادق است. ابو عمرو در قرائت این آیات با قاریان مذکور موافق است؛ جز این‌که او آیهٔ ۹۰ سورهٔ انعام را در هنگام وصل، به حذف «هاء» و در وقف، به اثبات «هاء» قرائت می‌کند (ابن انباری ۱۳۹۱ ق: ج ۱، ۳۰۴).

ابن انباری پس از بحث مفصل دربارهٔ قرائت «های سکت» در این آیات، سخنی از ابو عبید نقل می‌کند که گفته است:

اختیار من در تمامی این موارد، لزوم وقف با اثبات هاء است؛ زیرا وصل آن در صورت اثبات هاء، مخالف با قواعد زبان عربی و در صورت حذف هاء، مخالف با رسم مصحف است، اما اگر قاری در این مواضع عمل سکت را انجام دهد و حرف هاء را نیز اثبات کند، هر سه رکن سازگاری با زبان عربی، مطابقت با خط، و هماهنگی با اجماع قاریان را رعایت کرده است (همان: ۳۱۱).

۳.۷ ابو جعفر محمد بن جریر طبری

طبری (د ۳۱۰ ق)، مفسر و مورخ و قاری پرآوازهٔ قرن سوم و چهارم هجری، کتابی جامع در قرائت قرآن داشت که اکنون در دست نیست. این کتاب در هجده جلد تنظیم شده بود و تمامی قرائات، از مشهور و شاذ، را به همراه شرح و تعلیل آن‌ها در بر داشت (یاقوت حموی ۱۴۱۱ ق: ج ۱۸، ۴۵). در این کتاب، قرائت بیست تن از قاریان دورهٔ صحابه و تابعان و غیر آن‌ها را به تفصیل بیان کرده بود (مکی بن ابی طالب ۱۹۷۵ م: ۵۳).

طبری رعایت رسم مصحف را در پذیرش قرائات شرط می‌دانست. در جامع البیان نوشته است: «مخالفت با رسم مصاحف مسلمانان بر هیچ‌کسی جایز نیست» (طبری ۱۴۱۵ ق: ج ۱، ۳۳۰). هم‌چنین آورده است: «تغییر رسم مصاحف مسلمانان بر هیچ‌کس جایز نیست» (همان: ج ۱۷، ۴۲). در تفسیر خود بارها به مخالفت با قرائات ناسازگار با رسم مصحف برخاسته است (برای نمونه، بنگرید به همان: ج ۱، ۳۳، ج ۲، ۱۳۶، ج ۳، ۲۴۶). در این جا به ذکر چند مثال در این باره اکتفا می‌شود:

۱. دربارهٔ قرائت «إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ» (توبه: ۱۱۰) نوشته است: «حسن بصری این آیه را به صورت «إِلَى أَنْ تَقَطَّعَ» قرائت می‌کرد [...]، اما این قرائت مخالف با مصاحف مسلمانان است و به این دلیل آن را جایز نمی‌دانم» (طبری ۱۴۱۵ ق: ج ۱۴، ۴۹۷ - ۴۹۸).

۲. درباره قرائت «يَوْمَ يَأْتِ لَأ تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ» (هود: ۱۰۵) آورده است:

برخی از قاریان بصره و کوفه این آیه را به اثبات یاء در وصل و به حذف یاء در وقف قرائت کرده‌اند. هم‌چنین، گروهی از کوفیان آن را به حذف یاء در هر دو حالت وصل و وقف قرائت کرده‌اند. قرائت صحیح نزد من ”يَوْمَ يَأْتِ“ به حذف یاء، چه در حالت وصل و چه در حالت وقف، به جهت رعایت خط مصحف است (طبری ۱۴۱۵ ق: ج ۱۵، ۴۷۹).

غانم قدوری الحمد دیدگاه طبری را درباره موافقت با رسم مصحف موافقت قطعی و صریح می‌داند (الحمد ۱۴۳۹ ق: ۱۶۶ - ۱۶۷)، زیرا طبری در آیه «أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْرِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَانْفُخْ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ» (آل عمران: ۴۹)، با استناد به معیار موافقت با رسم مصحف، قرائت «الطير» و «طيرا» را بر «الطائر» و «طائرا» ترجیح داده است (طبری ۱۴۱۵ ق: ج ۶، ۴۲۵). البته با توجه به ویژگی‌های خط مصاحف نخستین، نمی‌توان از معیار رسم مصحف در ترجیح یکی از قرائت در این مورد خاص استفاده کرد، به‌ویژه آن‌که گفته شد در آن دوران، برای نشان‌دادن فتحه کشیده یا الف قانون نظام‌مندی تدوین نشده بود (برای آگاهی بیش‌تر، بنگرید به الحمد ۱۴۲۵ ق: ۶۷ - ۷۴)؛ چنان‌که طبری نیز، در آیه مذکور، از رسم مصحف فقط به‌منزله یک قرینه برای تقویت دیدگاه خود در قرائت آیه استفاده کرده است (در این باره، بنگرید به طبری ۱۴۱۵ ق: ج ۶، ۴۲۵).

علاوه بر قاریان مذکور در این دوره، می‌توان از تلاش‌های کسانی چون غازی بن قیس^۲ (د ۱۹۹ ق)، نصیر بن یوسف^۳ (د ۲۴۰ ق)، محمد بن عیسی اصفهانی^۴ (د ۲۵۳ ق) و ابوحاتم سجستانی^۵ (د ۲۵۵ ق) در حوزه معیار رسم مصحف یاد کرد.

افزون بر موارد مذکور، پیش از ورود به مرحله بعد، باید از کتاب المصاحف ابن ابی داود سجستانی (د ۳۱۶ ق) نام برد که از مهم‌ترین کتاب‌های نوشته‌شده در زمینه رسم مصحف است. سجستانی در این کتاب بحث‌های مهمی درباره نگارش قرآن از آغاز نزول وحی مطرح کرده است که از جمله آن‌ها عبارت‌اند از کتابت قرآن در عصر پیامبر اکرم (ص)، گردآوری قرآن در عصر خلفای نخستین، مصاحف عثمان و اختلافات آن‌ها، مصاحف صحابه و تابعین، و چگونگی نگارش برخی از کلمات قرآن در مصحف.

۸. مرحله قطعی شدن معیار مطابقت با رسم مصحف

قرن‌های چهارم تا هشتم هجری قمری را می‌توان مرحله قطعی شدن معیار مطابقت با رسم مصحف دانست. این مرحله مقارن با عصر ابن‌مجاهد (د ۳۲۴ ق) تا عصر ابن‌جزری

د ۸۳۳ ق) است که می‌تواند دوره پذیرش و تثبیت قرائت هفت‌گانه و ده‌گانه در تاریخ قرائت به‌شمار رود. در این دوران، دانشمندان پرمایه‌ای برخاستند که زمینه و اسباب تکامل معیار مطابقت با رسم مصحف را فراهم کردند. در ادامه، نمونه‌هایی از این فعالیت‌ها به‌اختصار یاد می‌شود.

۱۸ ابن مجاهد

ابن مجاهد در تاریخ قرائت سهم ویژه‌ای دارد. کار او در تحدید قرائت نقطه عطفی در تاریخ قرآن است. درکل، ابن مجاهد دو گونه معیار داشته است:

۱. معیارهای قرائت‌محور (برای پذیرش یک قرائت): ابن مجاهد ریشه قرائت را وحیانی نمی‌دانست و از میان آن‌ها قرائتی را می‌پذیرفت که با معیارهای او هم‌خوانی داشته باشند. این معیارها، که در این مقاله از آن‌ها به معیارهای قرائت‌محور یاد می‌شود، نزد ابن مجاهد عبارت‌اند از: صحت سند، مطابقت با رسم الخط، و موافقت با قواعد زبان عربی. به‌عبارت‌دیگر، او در پذیرش قرائت هر یک از واژگان قرآن این سه شرط را ضروری می‌دانست (ضیف بی تا: ۱۷). موضع سرسختانه ابن مجاهد در مقابل ابن مقسم (د ۳۵۴ ق)، که اعتنای چندانی به ملاک صحت سند و اجماع قاریان نداشت (خطیب بغدادی ۱۴۱۷ ق: ج ۲، ۲۰۶ - ۲۰۷)، هم‌چنین مخالفت با برخی از قرائت‌ها به دلیل ناسازگاری با زبان عربی نشان می‌دهد که معیار صحت سند و موافقت با قواعد زبان عربی نزد او از اهمیت برخوردار بود (همان). عملکرد تندروانه ابن مجاهد علیه ابن شنبوذ (د ۳۲۷ ق) نشان از آن دارد که معیار مطابقت با رسم مصحف نزد او تا چه اندازه اهمیت داشت، زیرا ابن شنبوذ به شواذ اعتماد داشت و براساس آن‌ها قرائت می‌کرد. او وجوهی را به‌نقل از ابن مسعود و ابی‌بن‌کعب قرائت می‌کرد که مخالف با رسم مصاحف عثمانی بود (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به خطیب بغدادی ۱۴۱۷ ق: ج ۱، ۲۸۰؛ ابن‌جزری ۱۴۲۹ ق: ج ۲، ۵۴). از این‌رو، ابن مجاهد به مقابله با او برخاست و عاقبت کار وی را به ابن‌مقله، وزیر وقت، سپرد. ابن‌مقله ابن شنبوذ را احضار کرد و قاضیان و فقیهان و قاریان را، که در صدر آنان ابن مجاهد حضور داشت، فراخواند. ابن شنبوذ در آن مجلس به آنچه به او نسبت داده می‌شد، اذعان کرد و هم‌چنان بر آن اصرار ورزید. بر این اساس، اجماع بر مجازات او از سوی حاضران شکل گرفت. سرانجام، ابن شنبوذ به توبه علنی مجبور شد (خطیب بغدادی ۱۴۱۷ ق: ج ۱، ۲۸۰ - ۲۸۱؛ ذهبی ۱۴۱۷ ق: ۱۵۶ - ۱۵۹). از سویی، پذیرش قرائت مخالف با رسم مصحف به‌معنای

امروزین، در میان قرائات هفت گانه از سوی ابن مجاهد، نشان از آن دارد که معنای موافقت قرائت با رسم مصحف در نزد او، موافقت با کلیات متن مکتوب، و رد قرائت امثال ابن مسعود بوده است و نه رسم مصحف به معنای فعلی آن (حاجی اسماعیلی ۱۳۸۴ ش: ۶۴).

۲. معیارهای قاری محور (برای معرفی قاریان هفت گانه): گونه دوم معیار ابن مجاهد، که به هنگام تسبیح قرائات و معرفی هفت قاری مشهور از آن‌ها سود جست و در این جا به معیارهای قاری محور از آن یاد می‌شود، با معیار قرائت محور او متفاوت است. بعضی دانشمندان، از جمله عبدالهادی فضلی، میان این دو گونه معیار خلط کرده‌اند (در این باره، بنگرید به فضلی ۱۴۳۰ ق: ۱۲۱ - ۱۲۲). فضلی در بحث از مقیاس‌های قرائی بیان کرده است که مقیاس ابن مجاهد متوجه شخص قاری است و از این طریق به قرائت او نیز اعتبار می‌بخشد. حال آن‌که مقیاس‌های سایر قاریان به خود قرائت توجه می‌کند (همان: ۱۲۲ - ۱۲۳). عبدالهادی فضلی معیارهای قاری محور ابن مجاهد برای معرفی قاریان هفت گانه را با معیارهای قرائت محور سایر قاریان برای پذیرش یک قرائت مقایسه کرده است، در حالی که این دو مقوله امری متمایز از یکدیگر است.

۲۸ ابن خالویه

یکی از صاحب نظران مهم علم قرائات در این مرحله ابن خالویه (د ۳۷۰ ق)، از شاگردان ابن مجاهد در بغداد، بود (قفطی ۱۴۲۴ ق: ج ۱، ۳۵۹). پیروی از رسم مصحف در قرائت را ضروری می‌دانست و در قبال آن سرسخت بود (فضلی ۱۴۳۰ ق: ۳۸ - ۳۹؛ شلبی ۱۴۰۳ ق: ۶۶). برای نمونه، او با استناد به رسم مصحف واژگان «هزؤاً» و «کفؤاً» را به ضم حرف دوم و با همزه و در مقابل، واژه «جزءاً» را به سکون «زای» و با همزه قرائت کرده است، زیرا برخلاف دو کلمه نخست، واژه «جزءاً» در مصحف بدون «واو» نوشته شده است (ابن خالویه ۱۴۰۱ ق: ۸۱). هم‌چنین، قرائت واژه «ملیک» در سوره حمد را، به علت مخالفت با رسم مصحف، پذیرفتنی ندانسته است (ابن خالویه ۱۹۸۵ م: ۲۳).

۳۸ مکی بن ابی طالب

مکی بن ابی طالب (د ۴۳۷ ق) از صاحب نظران بنام قرائات در قرن پنجم هجری قمری بود. در کتاب‌های خود به مسئله رسم مصحف اهتمام می‌ورزید. شرط مطابقت با رسم مصحف را، به همراه شروط صحت سند و قوت وجه در زبان عربی، در قرائت قرآن ضروری

مراحل تطور معيار «مطابقت قرائت با رسم مصحف» در پذیرش قرائت ۶۱

می دانست (برای آگاهی بیش تر، بنگرید به مکی بن ابی طالب ۱۹۷۵ م: ۸۹-۹۱؛ ۱۴۰۵ م: ج ۱، ۶۹، ۳۸۸؛ ۱۴۲۹ ق، ج ۳، ۳۲۵۰). موضع مکی درباره معیار مطابقت قرائت با رسم مصحف از دو صورت درخوربررسی است؛ نخست، او قرائت مخالف با رسم مصحف را جایز نمی داند، دوم، او در اختیار قرائت موارد موافق با رسم مصحف را برمی گزیند (الحمد ۱۴۳۷ ق: ۲۷ - ۲۸).

مکی در موارد بسیاری با احتجاج به رسم مصحف قرائتی را بر قرائت دیگر ترجیح داده است که بررسی آن‌ها مجال دیگری می طلبد. برای نمونه، او قرائت الف پایانی در واژگان «الظنوننا»، «الرسولا» و «السیبلا» (احزاب: ۱۰، ۶۶، ۶۷) را بنابر معیار مطابقت با رسم مصحف ارجح دانسته و اختیار خود را بر این اساس قرار داده است (دراین باره، بنگرید به مکی بن ابی طالب ۱۴۰۴ ق: ج ۲، ۱۹۴ - ۱۹۵).

افزون بر مواردی که گفته شد، دانشمندان دیگری نیز، در این مرحله، هم چون ابوشامه (د ۶۶۵ ق) و کواشی (د ۶۸۰ ق) در تکامل معیار مطابقت با رسم مصحف سهم مهمی داشتند (برای تفصیل، بنگرید به ابوشامه ۱۴۲۴ ق: ۱۳۷؛ سیوطی ۱۴۲۱ ق: ج ۱، ۲۷۳؛ فضلی ۱۴۳۰ ق: ۱۲۲ - ۱۲۴).

اتفاق مهم دیگری که در این مرحله رخ داد، آغاز توجه به رسم مصحف به مثابه علمی مستقل بود. پیش از قرن پنجم هجری، رسم مصحف علم وابسته به قرائت بود. به عبارت دیگر، اهتمام به رسم مصحف نه به دلیل خود رسم مصحف، بلکه به علت ارتباط آن با قرائت بود، اما از قرن پنجم، رسم مصحف به مثابه علمی مستقل در میان دانشمندان مورد توجه قرار گرفت. البته پیش از آن، مالک بن انس (د ۱۷۹ ق) و احمد بن حنبل (د ۲۴۱ ق) در فتوایی تغییر هجای قرآن را جایز ندانسته بودند (دانی ۱۴۰۳ ق: ۱۹؛ زرکشی ۱۴۱۰ ق: ج ۲، ۱۴).

ضروری بودن التزام به رسم قدیم مصحف در نزد کسانی چون مالک و ابن حنبل به علت ترس از تحریف قرآن بود و نه قداست امری به نام رسم مصحف عثمانی (مستفید ۱۳۸۰ ش: ۳۱)، اما فتوای این چینی از یک سو و اهمیت معیار رسم مصحف از سوی دیگر سبب شد تا رفته رفته رسم مصحف با موضوع شیوه رسم مصاحف عثمانی از اهمیت و توجه برخوردار شود. از کتاب‌هایی که با این رویکرد نوشته شده عبارت است از هجاء مصاحف الأمصار ابوالعباس مهدوی (د ۴۴۰ ق)؛ المقنع فی رسم مصاحف الأمصار ابو عمرو دانی (د ۴۴۴ ق)، مختصر التبین لهجاء التنزیل ابوداود سلیمان بن نجاح (د ۴۹۶ ق)،

الجامع لما يحتاج اليه من رسم المصحف ابراهيم بن وثيق اندلسي (د ۶۵۴ ق)، نشر المرجان في رسم نظم القرآن محمد غوث اركاتي (د ۱۲۳۸ ق).

۹. مرحله بازنگری نهایی در معیار مطابقت با رسم مصحف

آخرین مرحله از مراحل تاریخی معیار مطابقت با رسم مصحف بازنگری نهایی در مفهوم آن است. دیدگاه نهایی در این باره در روزگار ابن جزری (د ۸۳۳ ق) شکل گرفته و تا امروز ادامه یافته است. ابن جزری چون برای قرائت ده گانه ریشه و حیانی قائل بود (بنگرید به ابن جزری بی تا: ج ۱، ۵۱)، در گسترش دایره شمول معیارهای پذیرش قرائت می کوشید تا تمامی قرائت ده گانه بتواند در زمره آن قرار گیرد. برای مثال، درباره معیار موافقت با زبان عربی، برخلاف پیشینیان خود از جمله ابن خالویه و مکی بن ابی طالب، وجه ضعیف را نیز پذیرفتنی می دانست (فضلی ۱۴۳۰ ق: ۱۲۲). درباره معیار مطابقت با رسم مصحف تصریح کرده است که قرائت یک کلمه حتی اگر با رسم احتمالی آن سازگار باشد، پذیرفتنی است. در این باره در النشر نوشته است:

هر قرائتی که با وجهی از وجوه زبان عربی موافق باشد و با یکی از مصاحف عثمانی، ولو به صورت احتمالی، مطابقت داشته باشد و علاوه بر آن، سند درستی نیز داشته باشد، صحیح است و رد و انکار آن جایز نیست [...] و اگر یکی از این ارکان سه گانه مختل گردد، به آن قرائت، ضعیف یا شاذ یا باطل گفته می شود؛ چه از سوی قاریان سبعة باشد، چه حتی بزرگتر از آنان (ابن جزری بی تا: ج ۱، ۹).

رسم مصحف از دیدگاه ابن جزری، برخلاف عالمان دوره های پیشین از جمله فراء و ابن مجاهد، توجه به رسم مصاحف عثمانی با جزئیات کامل آن است. از این رو، سعی دارد با طرح مباحثی از جمله موافقت تقدیری و احتمالی، تمامی قرائت ده گانه مورد نظر خود را سازگار با معیار رسم مصحف معرفی کند.

منظور از موافقت واقعی موافقت حداکثری و منظور از موافقت احتمالی موافقت حداقلی است. ابن جزری در این باره گفته است:

موافقت با رسم مصحف در برخی موارد، قطعی و صریح و در مواردی دیگر، تقدیری و احتمالی است. چنان که در مواضعی به اتفاق با رسم الخط قرآنی مخالفت شده است؛ مانند: "السموات"، "الصلحت"، "اللیل"، "الصلوة"، "الزکوة"، "الربوا"، "لنظر کیف تعملون"، و

مراحل تطور معيار «مطابقت قرائت با رسم مصحف» در پذيرش قرائت ۶۳

”جایء“. موافقت برخی از قرائات با رسم به صورت قطعی و موافقت برخی دیگر به صورت تقدیری است. مانند: ”ملک یوم الدین“ که در تمام مصاحف بدون الف نوشته شده است. از این رو، باید گفت که قرائت به حذف الف (یعنی ”ملک“) موافقت قطعی با رسم مصحف دارد [...] و قرائت با الف (یعنی ”مالک“) نیز به صورت احتمالی و تقدیری با آن موافق است (همان: ۱۱).

اعتقاد ابن جزری چه درباره و حیانی بودن قرائات ده گانه و چه درباره معیارهای قرائت صحیح، از جمله معیار مطابقت با رسم مصحف، تا امروز در میان بیش تر اهل سنت ادامه داشته است (فضلی ۱۴۳۰ ق: ۱۲۱).

در پایان، ذکر این مطلب خالی از لطف نیست که محمد هادی معرفت نظری متفاوت درباره معیارهای پذیرش قرائات دارد. او به دلایلی، از جمله در دسترس نبودن مصاحف عثمانی در طی تاریخ و قطعی نبودن چگونگی رسم آنها، صلاحیت معیار مطابقت با رسم مصحف را به نقد کشیده است. به نظر او، بازنگری ابن جزری در این معیار و افزودن قید موافقت احتمالی به آن این معیار را به کلی بی اثر کرده است، زیرا در این صورت، بسیاری از قرائات شاذ و ضعیف در زمره قرائات موافق با رسم مصحف و حتی قرائات صحیح قرار می گیرد (برای آگاهی بیش تر، بنگرید به معرفت ۱۴۱۰ ق: ج ۲، ۱۲۷-۱۴۴). گفتنی است که محمد هادی معرفت درباره تمامی معیارهای سه گانه پذیرش قرائات مناقشه کرده است. او پیروی از این شروط را چیزی جز تقلید ظاهری خلف از سلف نمی داند. او در بخشی با عنوان «اختیارنا فی ضابط القبول» بیان کرده است که متن متواتر قرآن نسل به نسل و با جزئیات کامل در میان مسلمانان قرائت شده و از این طریق، نزد عامه مردم محفوظ مانده است (همان: ۱۴۵). با بیان این مطلب از آیت الله خویی، که تواتر قرآن مستلزم تواتر قرائات نیست، وی قرائت موسوم به «قرائت عامه» را متواتر و غیر قرآن را شاذ دانسته است (همان). به نظر معرفت، قرائات به خودی خود شأن و منزلتی ندارند، جز این که راهی برای شناخت قرآن متواتر نزد عامه به شمار می روند. به گفته او، قرائت عامه مسلمانان همان است که از ابتدای اسلام تا کنون از سوی مردم قرائت شده است؛ قرائتی که با قرائت عاصم به روایت حفص مطابقت دارد (همان: ۱۷۰، ۱۸۲). این دیدگاه از سوی بسیاری از محققان نقد شده است که پرداختن به جزئیات آن در این مقال نمی گنجد (برای نمونه از این نقدها، بنگرید به ایزدی و ذوقی ۱۳۹۶ ش: ۴۹ - ۶۶؛ همای و پوراسماعیل ۱۳۸۷ ش: ۲۳ - ۳۴).

۱۰. نتیجه‌گیری

معیار مطابقت با رسم مصحف، از زمان پیدایش، پنج مرحله مهم را سپری کرده است که بدین قرار است: ۱. آغاز توجه به متن مکتوب قرآن به مثابه یک معیار؛ ۲. گسترش گفتمان رسم مصحف؛ ۳. احتجاج گسترده قاریان و دانشمندان به رسم مصحف در پذیرش قرائات؛ ۴. قطعی شدن معیار مطابقت با رسم مصحف؛ ۵. بازنگری نهایی در معیار مطابقت با رسم مصحف.

توجه به متن مکتوب قرآن به مثابه یک معیار در کنار نقل شفاهی، بعد از توحید مصاحف، آغاز شد. این رخداد نقطه عطفی در توجه به مسئله رسم قرآن در تاریخ قرائات است. ارائه متن مکتوب رسمی از سوی عثمان با هدف خارج کردن قرائات بعضی از صحابه و پیروان آنان به عنوان قرائات شاذ انجام گرفت، اما در دوره‌های بعد، رویکردهای متفاوتی از سوی قاریان در قبال معیار رسم مصحف اتخاذ شد. متن مکتوب رسمی از استقبال قاریان برخوردار شد. با این حال، عده‌ای از جمله ابن مسعود چندان توجه به این امر نکردند. در مراحل نخست، دانشمندان برای معیار مطابقت با رسم مصحف کلیت متن مکتوب قرآن را، خارج از نگاه‌های جزئی و موشکافانه، مدنظر قرار دادند، اما در مراحل بعد، رسم مصحف به صورت جدی‌تر و با جزئیات بیشتر بررسی شد. مواردی از تبعیت از رسم مصحف در قرائت به معنای کامل را می‌توان در قرن‌های دوم و سوم هجری قمری مشاهده کرد که می‌توان آن‌ها را به مثابه جرقه‌هایی برای ورود به معیار رسم مصحف به معنای امروزی دانست که پس از قرن چهارم هجری فراگیر شد.

قرن‌های چهارم تا هشتم هجری را می‌توان مرحله قطعی شدن معیار مطابقت با رسم مصحف دانست. در این عصر، دانشمندان بزرگی در علم قرائات برخاستند و با آثار و نوشته‌های خود، زمینه و اسباب تکامل معیار مطابقت قرائت با رسم مصحف را فراهم آوردند. اتفاق مهم دیگر در این مرحله، آغاز توجه به رسم مصحف، به مثابه دانشی مستقل، از اوایل قرن پنجم هجری بود.

آخرین مرحله از مراحل تاریخی معیار مطابقت با رسم مصحف مرحله بازنگری نهایی آن است. دیدگاه نهایی در این باره در زمان ابن جزری شکل گرفت و تا امروز ادامه داشته است. ابن جزری که برخلاف عالمان بزرگی چون طبری و ابن مجاهد و ابن خالویه ریشه قرائات را وحیانی می‌دانست، سعی در گسترش دایره شمول معیارهای پذیرش قرائات داشت تا تمامی قرائات ده‌گانه در زمره آن قرار گیرد. او درباره معیار مطابقت با رسم

مصحف بر آن بود که قرائت یک کلمه حتی اگر با رسم احتمالی آن نیز سازگار باشد، پذیرفتنی است. رسم مصحف، از دیدگاه ابن جزری، برخلاف عالمان دوره‌های پیشین از جمله فراء و ابن مجاهد، توجه به رسم مصاحف عثمانی با جزئیات کامل آن است. از این رو، سعی دارد تا با طرح مباحثی از جمله موافقت تقدیری و احتمالی تمامی قرائت ده‌گانه موردنظر خود را که «نازل من عند الله» می‌داند، سازگار با معیار رسم مصحف معرفی کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. درباره تعداد نسخه‌های تدوین شده به سفارش عثمان اقوال مختلفی آمده است (در این باره، بنگرید به رامیار ۱۳۶۹ ش: ۴۵۹ - ۴۶۵). در روایتی از حمزه نقل شده است که عثمان چهار نسخه نوشت و یکی از آن‌ها را به کوفه فرستاد (سجستانی ۱۴۲۳ ق: ۴۳). به گفته دانی، اغلب عالمان بر این باورند که عثمان چهار نسخه از قرآن را تدوین کرد، چنان‌که یکی از آن‌ها را در مدینه باقی گذاشت و سه نسخه دیگر را به شهرهای کوفه و بصره و شام فرستاد. هم‌چنین گفته شده است که او هفت نسخه را تدوین کرد و علاوه بر شهرهای مذکور، به شهرهای مکه و یمن و بحرین فرستاد. دانی قول اول را صحیح‌تر دانسته است (دانی ۱۴۰۳ ق: ۹).
۲. غازی بن قیس قرطبی (د ۱۹۹ ق)، صاحب کتاب *هجاء السنة*، شاگرد نافع و نخستین کسی بود که قرائت او را در اندلس معرفی کرد (ذهبی ۱۴۲۷ ق: ج ۸، ۷۷).
۳. نصیر بن یوسف، از علمای کوفه و از اصحاب و شاگردان کسایی بود (ابن ابی حاتم ۱۳۷۱ ق: ج ۸، ۴۹۳؛ ذهبی ۱۴۱۷ ق: ج ۱، ۱۲۵؛ ابن ندیم بی تا: ۷۲). او از پیشوایان علم رسم مصحف در زمان خود بوده است (ذهبی ۱۴۱۷ ق: ج ۱، ۱۲۵).
۴. محمد بن عیسی اصفهانی، از عالمان مشهور و صاحب تألیفاتی ارزش‌مند در حوزه قرائت و رسم مصحف بود (در این باره، بنگرید به ذهبی ۱۴۱۷ ق: ج ۱، ۱۳۰).
۵. ابو حاتم ابن ابی داود سجستانی، پیشوای علوم قرائت، نحو، لغت در نیمه نخست قرن سوم هجری در بصره بود (برای آگاهی بیش‌تر، بنگرید به ابن جزری ۱۴۲۹ ق: ج ۱، ۳۲۰).

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

- ابن ابی حاتم (۱۳۷۱ ق)، *الجرح والتعديل*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن اثیر، علی بن محمد (بی تا)، *اسد الغابة فی معرفة الصحابة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن انباری، محمد بن قاسم (۱۳۹۱ ق)، *ایضاح الوقف و الابتداء فی کتاب الله عزوجل*، دمشق: مجمع اللغة العربیة.

- ابن جزری، شمس‌الدین (۱۴۲۹ ق)، *غایة النهایة*، طنطا: دار الصحابة للتراث.
- ابن جزری، شمس‌الدین (بی تا)، *النشر فی القراءات العشر*، بی جا: دار الفکر.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۳۷۹ ق)، *فتح الباری*، بیروت: دار المعرفة.
- ابن حنبل، احمد بن محمد (بی تا)، *مسند الامام احمد بن حنبل*، بیروت: دار صادر.
- ابن خالویه، حسین بن احمد (۱۴۰۱ ق)، *الحجة فی القراءات السبع*، بیروت: دار الشروق.
- ابن خالویه، حسین بن احمد (۱۹۸۵ م)، *اعراب ثلاثین سورة من القرآن الکریم*، بیروت: مکتبه الهلال.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۶ ق)، *مناقب آل ابی طالب*، نجف: المکتبه الحیدریه.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۱۴۱۲ ق)، *الاستیعاب فی معرفة الاصحاب*، بیروت: دار الجیل.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ ق)، *معجم مقاییس اللغة*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن مجاهد، احمد بن موسی (بی تا)، *کتاب السبعة فی القراءات*، بتحقیق: شوقی ضیف، قاهره: دار المعارف.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (بی تا)، *الفهرست*، تهران: بی نا.
- ابن هشام، عبدالله بن یوسف (بی تا)، *السيرة النبویة*، بیروت: دار المعرفة.
- ابوداود، سلیمان بن نجاح (۱۴۲۱ ق)، *مختصر التبیین لهجاء التنزیل*، مدینه: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشریف.
- ابوشامه، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۲۴ ق)، *المرشد الوجيه الی علوم تتعلق بالکتاب العزیز*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابوعبید، قاسم بن سلام (۱۴۱۱ ق)، *فضائل القرآن و معالمه و آدابه*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ارکاتی، محمد بن غوث (۱۳۳۱ ق)، *نثر المرجان فی رسم نظم القرآن*، حیدرآباد دکن: مطبعة عثمان بریس.
- ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ ق)، *تهذیب اللغة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- امین، محسن (بی تا)، *اعیان الشیعة*، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- ایزدی، مهدی و امیر ذوقی (۱۳۹۶ ش)، «پی جویی "قرائت عامه" در کتب تفسیری سده‌های نخست و نقش آن در ترجیح قرائت»، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، ش ۱۱.
- آقابزرگ طهرانی، محمد محسن (۱۴۰۳ ق)، *الدریعة الی تصانیف الشیعة*، بیروت: دار الاضواء.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ ق)، *صحیح البخاری*، بیروت: دار الفکر.
- بروکلمان، کارل (بی تا)، *تاریخ الادب العربی*، بترجمة عبدالحلیم نجار، قاهره: دار المعارف.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۳۰ ق)، *الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حاجی اسماعیلی، محمدرضا (۱۳۸۴ ش)، «بررسی تعامل و تقابل بین دو حوزه قرائت و کتابت قرآن از عصر نزول تا تسبیح قرائت»، *مطالعات اسلامی*، ش ۶۸.
- الحمد، غانم قدوری (۱۴۲۵ ق)، *رسم المصحف دراسة لغویة تاریخیة*، عمان: دار عمار.

مراحل تطور معيار «مطابقت قرائت با رسم مصحف» در پذیرش قرائت ۶۷

الحمد، غانم قدوری (۱۴۳۳ ق)، الميسر في علم رسم المصحف الشريف و ضبطه، جده: مركز الدراسات و المعلومات القرآنية بمعهد الامام الشاطبي.

الحمد، غانم قدوری (۱۴۳۷ ق)، جهود الامام مكى بن ابى طالب القيسى فى رسم المصحف، عمان: جمعية المحافظة على القرآن الكريم.

الحمد، غانم قدوری (۱۴۳۹ ق)، القراءات القرآنية، عمان: جمعية المحافظة على القرآن الكريم.

خطيب بغدادى، احمد بن على (۱۴۱۷ ق)، تاريخ بغداد، بيروت: دار الكتب العلمية.

داني، عثمان بن سعيد (۱۴۰۳ ق)، المقنع فى رسم مصاحف الامصار، دمشق: دار الفكر.

داني، عثمان بن سعيد (۱۴۰۷ ق)، المحكم فى نقط المصاحف، دمشق: دار الفكر.

داني، عثمان بن سعيد (۱۴۱۶ ق)، التيسير فى القراءات العشر، بيروت: دار الكتب العلمية.

داني، عثمان بن سعيد (۱۴۲۸ ق)، جامع البيان فى القراءات السبع، امارات: جامعة الشارقة.

ذوقى، امير (۱۳۹۶ ش)، ملاكهاى ترجيح قرائت و توسعه آن، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

ذهبي، شمس الدين (۱۴۱۷ ق)، معرفة القراء الكبار، بيروت: دار الكتب العلمية.

ذهبي، شمس الدين (۱۴۲۷ ق)، سير اعلام النبلاء، قاهره: دار الحديث.

راميار، محمود (۱۳۶۹ ش)، تاريخ قرآن، تهران: امير كبير.

زرقانى، محمد عبدالعظيم (۱۹۴۸ م)، مناهل العرفان فى علوم القرآن، بيروت: دار احياء التراث العربى.

زرکشى، محمد بن بهادر (۱۴۱۰ ق)، البرهان فى علوم القرآن، بيروت، دار المعرفة.

زمخشري، محمود بن عمر (۱۴۰۷ ق)، الكشاف عن حقايق غوامض التنزيل، بيروت: دار الكتاب العربى.

زنجاني، ابو عبدالله (۱۴۰۴ ق)، تاريخ القرآن، تهران: منظمة الاعلام الاسلامى.

سجستاني، ابن ابى داود (۱۴۲۳ ق)، كتاب المصاحف، قاهره: الفاروق الحديثة.

سخاوى، على بن محمد (۱۴۲۷ ق)، الوسيلة الى كشف العقيلة، بطنطا: دار الصحابة للتراث.

سليم بن قيس (۱۴۲۲ ق)، كتاب سليم بن قيس الهلالي، بتحقيق: محمدباقر انصارى، قم: دليل ما.

سيوطى، جلال الدين (۱۴۰۱ ق)، الجامع الصغير، بيروت: دار الفكر.

سيوطى، جلال الدين (۱۴۲۱ ق)، الاتقان فى علوم القرآن، بيروت: دار الكتاب العربى.

شلبى، عبدالفتاح (۱۴۰۳ ق)، رسم المصحف العثماني، جده: دار الشروق.

صدر، سيدحسن (۱۳۳۱ ق)، الشيعة و فنون الاسلام، تهران: مطبعة العرفان.

صفاقسى، على النورى (۱۴۲۵ ق)، غيث النفع فى القراءات السبع، بيروت: دار الكتب العلمية.

ضباع، على محمد (۱۴۲۰ ق)، سمير الطالبين فى رسم و ضبط الكتاب المبين، قاهره: المكتبة الازهرية للتراث.

ضيف، شوقى (بى تا)، مقدمة كتاب السبعة فى القراءات لابن مجاهد، قاهره: دار المعارف.

طبرانى، سليمان بن احمد (بى تا)، المعجم الكبير، بيروت: دار احياء التراث العربى.

طبرى، محمد بن جرير (۱۴۱۵ ق)، جامع البيان عن تأويل آى القرآن، بيروت: دار الفكر.

- عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۱۰ ق)، *حقايق هامة حول القرآن الكريم*، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- فراء، يحيى بن زياد (۱۴۰۳ ق)، *معاني القرآن*، بيروت: عالم الكتب.
- فضلي، عبدالهادی (۱۴۳۰ ق)، *القراءات القرآنية*، بيروت: مركز الغدير.
- قاضي، عبدالفتاح (۱۴۲۸ ق)، *البدور الزاهرة، دمشق: دار البيروتی.*
- قرطبي، محمد بن احمد (۱۴۲۳ ق)، *الجامع لاحكام القرآن*، رياض: دار عالم الكتب.
- قفطی، علی بن يوسف (۱۴۲۴ ق)، *انباه الرواة على انباه النحاة*، بيروت: المكتبة العصرية.
- ليبي، ابوبكر عبدالغني (۱۴۳۲ ق)، *الدرة الصقيلة في شرح ابیات العقيلة*، بتحقيق عبدالعلي ايت زعبول، قطر: وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامية.
- مارغني، ابراهيم (۱۴۳۷ ق)، *دليل الحيران*، رباط: دارالامان.
- مستفيد، حميدرضا (۱۳۸۰ ش)، *سيرتحوّل تاريخي رسم النخط قرآن كريم از آغاز تا عصر حاضر*، رسالة دكتري، گروه علوم قرآن و حديث، تهران: دانشگاه آزاد اسلامي واحد علوم تحقيقات.
- مستفيد، حميدرضا (۱۳۸۱ ش)، «تأثير خط در پيدایش قرائت»، *تحقيقات اسلامي*، س ۱۴، ش ۱-۲.
- معرفت، محمدهادی (۱۴۱۰ ق)، *التمهيد في علوم القرآن*، قم: مركز مديريت حوزه علمية قم.
- مكي بن ابی طالب، ابو محمد (۱۴۰۴ ق)، *الكشف عن وجوه القراءات السبع و عللها و حججها*، بيروت: مؤسسة الرسالة.
- مكي بن ابی طالب، ابو محمد (۱۹۷۵ م)، *الاياتة عن معاني القراءات*، قاهره: دار نهضة بمصر.
- مكي بن ابی طالب، ابو محمد (۱۴۰۵ م)، *مشكل اعراب القرآن*، بيروت: مؤسسة الرسالة.
- مكي بن ابی طالب، ابو محمد (۱۴۲۹ ق)، *الهداية الى بلوغ النهاية*، الشارقة: جامعة الشارقة.
- نجارزادگان، فتح الله (۱۳۷۹ ش)، «بررسی و نقد اسناد مصحف امام علي (ع) در منابع فريقين»، *مقالات و بررسیها*، ش ۶۸.
- همامي، عباس و احسان پوراسماعيل (۱۳۸۷ ش)، «نقدی بر نوشتار القراءات في نشأتها و تطورها»، *پژوهش نامه قرآن و حديث*، ش ۴.
- ياقوت حموي، ياقوت بن عبدالله (۱۴۱۱ ق)، *معجم الادباء*، بيروت: دار الكتب العلمية.

Graham, W. A. and N. Kermani (2007), "Recitation and Aesthetic Reception", in *The Cambridge Companion to the Qur'an*, Jane Dammen McAuliffe (ed.), London: Cambridge University Press.

Neuwirth, Angelika (2007), "Structural, Linguistic and Literary Features", in *The Cambridge Companion to the Qur'an*, Jane Dammen McAuliffe (ed.), London: Cambridge University Press.